



شانزده آذر ، روز دانشجو

یکدم دل ماغمز دگان شاد نشد ویرانه ما از ستم آزاد نشد
دادند بسی به راه آزادی جان اما چه نتیجه ملت آزاد نشد

"جان باخته راه آزادی فرخی یزدی"

از فردای کودتای ننگین بیست هشت مرداد بگیر و ببندها آغاز گردید تا کسی سخن از آزادی و استقلال بر زبان نیاورد مردم از سقوط ناگهانی دولت ملی دکتر مصدق سخت در بهت و حیرت فرو رفته بودند و دولت کودتا از موقعیت استفاده نموده و برای خشنودی دول استعمارگر ، دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی و ضداستعماری ایران را به جرم آزادیخواهی و قطع دست استعمارگران از روی منابع اقتصادی و سیاسی کشور با ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور و بستن درب سفارتخانه انگلستان ، در بیدادگاه نظامی به پای میز محاکمه نشانند که درسی باشد برای ملت های آسیا و افریقا تا آزادیخواهان دیگر جرأت آنرا نداشته باشند علیه منافع نا مشروع دول استعمارگر بپا خیزند. دانشجویان دلاور و میهن پرست ایران از همان روزهای نخست ساکت ننشسته و علیه کودتاجیان حرکت هائی را آغاز نمودند تا آذرماه که محاکمه دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی و ضد استعماری ایران در بیدادگاه نظامی ادامه داشت و همچنین درب سفارت انگلستان دوباره گشوده شد ، دانشجویان دانشگاه تهران تظاهرات پرشوری را در مخالفت با اقدامات ضد ملی دولت کودتا برپا نموده و در روز پانزدهم آذرماه تظاهرات دانشجویان به بیرون دانشگاه تهران کشیده شد که مورد پورش ماموران فرمانداری نظامی قرار گرفت و شماری دستگیر و چند تنی مجروح گشتند . فردای آن روز دانشجویان در درون دانشگاه در ادامه اعتراض به اقدامات ضد ملی دولت کودتا به تظاهرات پرداختند که در اجرای فرمان ، ماموران مسلح حکومت نظامی با بی شرمی تمام حرمت محیط مقدس دانشگاه را شکسته و وارد محوطه دانشگاه شدند و دانشجویان میهن دوست و آزادیخواه را به رگبار مسلسل بستند در این جنایت فجیع علاوه بردستگیری و زخمی شدن شماری از دانشجویان سه تن از فرزندان دلاور ایرانزمین

مهدی شریعت رضوی ، احمد قندچی و مصطفی بزرگ نیا

دانشجویان دانشکده فنی جان خود را از دست داده و به صف جانبختگان راه آزادی و استقلال ایرانزمین پیوستند با جان باختن این سه تن دانشجوی دلاور آزادیخواه ، دانشگاه تهران نماد مبارزات ملت ایران علیه استبداد و ارتجاع گردید

در آذر ماه سال یکهزار و سیصد و سه و نه خورشیدی، بنا بر پیشنهاد پروانه اسکندری (فروهر) دشنه آجین شده راه آزادی و دادگری که در آن زمان دانشجوی دانشگاه تهران بود و علیه نظام استبداد سلطنتی مبارزه می نمود، روز شانزده آذر روز دانشجو نامیده شد و این افتخار بزرگ از آن این شیر زن بی‌شمار ایرانزمین گردید و دانشگاه علاوه بر جایگاه علم و دانش نماد مبارزه علیه استبداد و استعمار گردید.

حکومت های مستبد و خودکامه همواره از نسل جوان در وحشت و اضطراب بوده و هستند نوع استبداد فرق نمی کند استبداد لائیک باشد و یا مذهبی بقول معروف: **سگ زرد برادر شغال است.**

در نیمه های شب هجدهم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هشت خورشیدی؛ جهت اجرای «فتوای رهبر معظم»، چماقداران و نیروهای سرکوبگر نظام حاکم برکشومان به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران، مغول وار یورش برده و با ضرب و شتم و دستگیری دانشجویان و تخریب اطاق ها، مرتکب جنایت فجیعی شدند آنهم در زمانی که رئیس قوه مجریه رژیم محمد خاتمی با شعار " **گفتگوی تمدنها و جامعه مدنی** " بر مصدر ریاست تکیه زده بود. با این جنایت ددمنشانه، شانزده آذر بگونه دیگری نمایان شد تا نشان داده شود نظامهای استبدادی با هر شکلی که باشند دشمن آزادی و دادگری هستند و حربه اشان جنایت، زندان و شکنجه بوده و هست تا بتوانند با خفه نمودن صداها در گلو و ایجاد محیط ارباب و وحشت، به اعمال پلید جنایتکارانه خود ادامه دهند.

هم میهن گرامی

تا کی باید سردرگم باشیم و راه برون رفت از این گرداب ویرانگر را بدرستی نیابیم. یکصد سال است که ملت ما برای رسیدن به استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می کند و در این راه بهترین فرزندان خود را فدا نموده است ولی تا آمده آزادی را لمس نماید با افسوس بسیار فرسنگها از آن دور گردیده است چرا برای اینکه از شکست های یک قرن اخیر تجربه نیاموخته ایم آیا اشکال کار در کجا بوده است؟ در اینجاست زمانی که با هم شدیم پیروز گشتیم ولی با افسوس بسیار از همان روز نخست پیروزی راه خود را از هم جدا کردیم و در برابر هم صف آرایی نمودیم در نتیجه از قله پیروزی به دره اسارت پرت شدیم انقلاب مشروطه و جنبش ملی کردن صنعت نفت و انقلاب بیست و دو بهمن سه نمونه بارز آن است. بیا نیم بخاطر میهن در بند مان و به احترام خون شهدای راه آزادی و عدالت کنار هم قرار بگیریم و دیگر اجازه ندهیم دشمنان بین ما نفاق و جدائی اندازند در این صورت است که با سرنگونی استبداد و ارتجاع، آزادی و عدالت در گستره کشور عزیزمان ایرانزمین برپا خواهد شد و با این پیروزی درخشان روان پاک شهدای ایرانزمین را از خود راضی و خشنود خواهیم نمود. هم اکنون جوانان بپا خاسته اند و در راه آزادی کشورمان از زیر سلطه مشتی جنایتکار دستار بند با تمام نیرو به مبارزه سرنوشت ساز ادامه می دهند و در این مبارزه زنان دلاور پا به پای مردان به جلو می روند و جانبختگانی هم به تاریخ تقدیم نموده اند. نظام خون و جنایت ولایت فقیه بعلت اختلافات درون گروهی در حال اضمحلال و سرنگونی است باید از این فرصت تاریخی استفاده نمائیم و اختلافات را کنار گزارده و در یک صف قرار بگیریم و مطمئن باشیم اکثر نیروهای نظامی و انتظامی وقتی مشاهده نمایند که حرکت ملت یک پارچه است به ما ملحق خواهند شد. همانگونه که امروزه در جنبش ملتهای خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد آن هستیم.

هم میهن گرامی تا دیر نشده دست در دست هم گذارده و بسوی آزادی گام برداریم و با کمک هم ریشه بیدادگری و ستم را از سرزمین ورجاوند خود برکنیم.

درد بر روان تمامی جانبختگان راه آزادی و دادگری ایرانزمین

دوشنبه چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و نود خورشیدی

مهران ادیب